



آیا حقیقتاً مجبور هستیم که بسوزیم و بسازیم!؟

خطاب به آنانی که خود را ناگزیر و مجبور به تحمل اشغال و استبداد فکری میدانند !

هموطنان گرامی :

یک هموطن ما در پای نوشته کوتاه تحلیلی کامنتی گذاشته بودند که بنابر به اهمیت و ماهیت آن ایجاب می کرد با دید انتقادی ای به آن بنگریم.

(تحلیل و نظرات سنجیده و بجا و اما.....؟)

آنچه آمریکایی ها در حق مردم افغانستان کردند و میکنند «متأسفانه از توان مردم بالا است و مجبوراً مردم مظلوم افغانستان باید بسوزند و بسازند».)

بدون شک جنایاتی را که روس ها و آمریکایی ها در افغانستان مرتکب شدند به هیچوجه نمی توان توجیه و تیرئه نمود.

همزمان با تبلیغات و پروپاگند های عوامفریبانه، استخدام ستون پنجمی های مزدور و استفاده از تئوری توطئه و مصرف میلیاردها دلار برای آن، اما هنوز هم نتوانستند مردم آزاده خوی افغانستان را مطیع گردانند و یوغ انقیاد را بر گردن شان بیاویزند.

تاریخ کشور ما در طول دو قرن گذشته، حداقل شاهد شکست های ننگین سه ابر قدرت طاغوتی، انگلیس، روسیه و آمریکا بوده است.

انگلیسها که بنابر ادعای شان آفتاب در امپراتوری شان غروب نکرده بود، در ۲۸ اسد ۱۲۹۸ (۱۹ آگوست ۱۹۱۹ عیسوی) بعد از قبول یک ضرب شست آزادیخواهان افغان و شکست مفتضحانه ای در جبهه جنگ ناگزیر به رسمیت شناختن استقلال افغانستان و از هم پاشی امپراتوری شان شدند.

روسها در شش جدی سال ۱۳۵۸ ارتش سرخ شوروی سابق وارد خاک افغانستان شد و بعد از ۹ سال جنگ و تقبل خسارات و تلفات سنگینی بر پیکره ماشین جنگی خود بتاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷ در حالی که از آن همه عظمت و ابهت امپریالیستی چیزی برجا نمانده بود، ناگزیر به عقب نشینی شد و از همان مسیری که آمده بود، دوباره برگشت. متعاقب این هزیمت شرمبار دیوار برلین نیز فروپاشید و تجزیه کشور به اصطلاح شوروی به ۱۵ کشور مستقلی که میراث تزاری او را تشکیل میداد، منقسم شد.

ایالات متحده آمریکا و متحد او یعنی بریتانیای امپریالیستی در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ از طریق هوا و زمین بر خاک افغانستان تجاوز کردند. در این توطئه تجاوز و اشغال نیر مانند اشغال دوران روسها که مادر فروشان خلقی- پرچمی در تطبیق آن رول بازی کردن. قوادان فرصت طلب جهادی که باری توسط طالبان از قدرت خلع و متواری شده بودند، با کشیدن یک قشقه جدید ندامت از خیانت به ارباب، تحت یک عنوان اهدایی دیگر (اتحادیه شمال) با متجاوزان پیوستند (بخوانید در رکاب امریکاییان داخل پایتخت شدند). در ۱۷ دسامبر همان سال طالبانی که تا آن زمان در نقش یک هیولای غیر قابل مهار بر مردم سلطه میراند، به طور کل از صفحه سیاسی، قدرت و پایتخت رانده شده. اما پس از یک مدت خزیدن در سوراخ ها و پنهان شدن های رسوا بار دیگر به کمک مالی و تسلیحاتی سازمان «سیا» و سازمان جاسوسی پاکستان و رژیم های ارتجاعی منطقه توانستند مراکز تجمعی ای در جوار شهرهای بزرگ برای خود دست و پا کنند و برای ۲۰ سال آینده مشغول جنگهای از نوع زرگری با امریکا و دولت دست نشانده او در کابل باشند. البته قربانیان بی دفاع این جنگ ها را مردم بی دفاع افغانستان و فرزندان جوانشان تشکیل می دادند.

عمده ترین اهداف نظامی - سیاسی آمریکا و «ناتو» را در آن جنگهای خانه ویران کن، ایجاد یک قوس دفاعی در برابر رقبای امپریالیستی او در منطقه و به ابتذال کشاندن جامعه و تهی ساختن آن از ارزش های انسانی و فرهنگی میساخت.

در حالی که این تجاوز بیشرمانه و عریان و طولانی ترین حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در کشوری فقیر چون افغانستان نمونه های آشکاری تخطی از پرنسیب های قبول شده بین المللی و نقض حقوق

بشرُ اعمال هزاران جنایت ضد بشری و یغمای منابع طبیعی آن کشور، از جمله اورانیوم قاقاق هرونین و احجار کریمه و سنگ های قیمتی و تهی ساختن جامعه از نیروی فعال و کادر های تخصصی و مسلکی از ضمیمه های آشکارای این حضور بی فرجام نظامی او در افغانستان بود.

سرانجام سقوط جمهوریت ساخته واشنگتن در آگوست ۲۰۲۱ که با فرار ذلت بار لشکر اشغالگر و ستون پنجمی های وابسته آن از افغانستان همراه بود. امپریالیسم امریکا طالبان را طی یک معامله و سازش در دوحه قطر یکبار دیگر به وارثان تاج و تخت کابل تبدیل کرد. اما در عوض برای مزدوران قدیم این فرصت را فراهم ساخت. تا با آرامش خیال و مصونیت مالی و جانی به نزدیکی ذخایر و انبارهای حرام شان به سرزمین های عرب و اروپا و امریکا پای نهند و به رستگاری، رفاه و آرامش موعود دیگری دست یابند.

اما این پایان درامه افغانستان نبود. آمریکا باز هم به تقلای دیگری دست یازیده است. تا نسل جدیدی از این لشکریان جهل و خیانت را با ترفند دیگری وارد معرکه افغانستان کند، زیرا ارزیابی های جدید از معضلات دامنگیر امپریالیزم در سطح جهان، یکبار دیگر سوال دامن زدن به جنگ افغانستان را در برابر او قرار داده است.

مردم افغانستان اینبار خویشتن را در برابر یک بازی مرگ و زندگی میبیند و طبیعتاً در این میان زندگی را بر مرگ یا مرگ تدریجی ترجیح میدهند و با تمام نیرو در برابر جهانخواران و مزدوران شان از هر نوعی که هستند، چه طالبی یا داعشی و چه جهادی و شورای نظاری و چه مهره های سیاه آریستوکراسی کهن و تکنوکرات ها فرصت طلب و فاسد به پا خاسته اند. گور بزرگی برای آنان حفر کرده اند تا همه را به شمول نگویند بختی های شان در آن گور مدفون سازند.

حوادث اخیر مبین آنست که تورم شدیدی اروپا را مانند موریانه ای از درون میخورد و دیری نخواهد پایید که مردم اروپا علیه سیاست های دنباله روانه و سازشکارانه دولت های شان به پا خیزند و خود را از باج پردازی امریکا یکسره رها کنند.

ما نیز هیچ الزامی نداریم که بیشتر از این متحمل شکنجه و کشتار باشیم!
مگر ما از بطن مادر مجبور به دنیا آمدیم و «ناگزیر باید بسوزیم و بسازیم»؟

ما از واژه اجبار نفرت داریم. در نزد ما «مجبور» یک کلمه تهوع آور و برای ما نسل های بازمانده از مردمان سلحشور این مرزوبوم توهین آمیز است. مردمان تهیدست و سلحشور این سرزمین در طول تاریخ پوز بزرگترین امپراتوری ها جهان را به خاک مالیده است. مقاومت و شجاعت از ارکان فرهنگ غنی و پربرآنهاست. ما این توانایی را در خود سراغ داریم که میتوانیم پوز هر اشغالگر و متجاوز، ولو دندان های او اتمی هم باشد، درست مانند اسلاف شان به خاک بمالیم.

ما این توانایی را در خود سراغ داریم تا جامعه ای آزاد، آباد و مترقی ای برای فرزندان خویش و نسل های بعدی به میراث بگذاریم، جامعه ای که در آن از افراط و تفریط، استعمار و استثمار خبری نیست.

ما راه طولانی و پر پیچ و خمی را روبرو داریم، اما این مبارزه برای آنانی که در طی آن فقط زنجیر های تنیده بر دست و پای شان را از دست میدهند، آسان تر از اسارت و مرگی تدریجی است که از جانب «اسارت» امارت اسلامی در حال حاضر بالای مردم تحمیل شده است. آنها کلیه حقوق مدنی، فردی و اجتماعی را از ما دزدیده و غضب کرده اند:

حق تحصیل، حق کار، حق مسافرت، حق سخن گفتن، حق لباس پوشیدن، حق انتقاد، حق استقلال فردی، حق حفظ داشته ها و میراث های تاریخی و فرهنگی، حق گوش دادن به موسیقی، حق حمام رفتن و حفظ الصحه شخصی، حق گشت و گذار و بیرون رفتن از منزل، حق آزادی بیان، حق داشتن تلفن همراه به اضافه توهین، تحقیر و چوب کاری در ملا عام و... حتی خصوصی ترین حریم شخصی ما مصون نیست.

به ابتذال کشیدن جامعه و تهی ساختن آن از ارزش های اخلاقی، فرهنگی و تخصصی میراث شوم اشغالگران آمریکایی، انگلیسی و روسی است. نمونه های این ابتذال در همه جا به چشم می خورند.

اشغالگران آمریکایی و متحدان بین المللی شان تحت عنوان مبارزه با تروریسم و سپس با دروغ بافی هایی چون حقوق زنان و دموکراسی، همان دموکراسی کذابی ای که به هدف تحمیل عقد نامه ننگین استراتژیک، با خلق رویداد ها و آوردن و بردن مهره های وابسته به خود که می توانستند عطش آبی و عاری از تعقل سیاسی مردم را برای تغییر در کوتاه مدت ارضا کنند، پاسداری میشد.

بنابراین به آسانی می توان تلاش های اخیر مهره های سیاسی فاسد قدیمی را برای احیای یا بهتر بگوییم حفظ منافع امپریالیست ها در افغانستان تعبیر کرد. نشست های تاجیکستان، دوحه، ترکیه و سفرهای وزرای نام نهاد امارت اسلامی و حامد کرزی این روباہ مگار به خارج همه گواهی آنست.

هموطنان گرامی مواظب نوجوانان و جوانان تان باشید !

دشمنان سوگنده خورده ما حتی حریم خانه های ما را مصون نگذاشتند ، روزانه ده ها پیام و تماس از طریق مسنجر، وایبر و واتساپ بدست آنانی که در خارج از کشور هستند، میرسد. که همه گویای سختی ها و درشتی های زندگی خانواده ها و جوانان در افغانستان محصور غضب طالبانی است . برخی از جوانان ذکور و اناث حتی حاضر اند بخاطر یک مشت پول به شنیع ترین اعمال ضد کرامت انسانی دست بزنند. این است ارمغان استعمار که به کمک یک مشت بنیادگرایی اسلامی خود فروخته و مادر فروش در کشور ما پیاده شده است.

این مادر فروشان که زمانی در هیچ مجمع مردمی جای پا نداشتند، اما با مبدل ساختن کشور به لجن زاری از فساد، هر یک به یک بوروکرات میلبارد تبدیل شده است .

بیکاری، حذف سیستماتیک زنان از حیات اجتماعی و کار، به حاشیه راندن افراد مسلکی و تخصصی ، محصور ساختن زنان در چهار دیواری خانه، مسخ هویت آنان تحت نام حجاب اسلامی، مسدود کردن درب مکاتب ، پوهنتونها ، موسسات تحصیلات عالی و موسسات تعلیمات حرفوی بر روی نصف از پیکر جامعه ، در نزول بیسابقه سطح تعلیم و تربیه، در ادبیات ، هنر و علوم عصری از همه بدتر در ترویج اعتیاد، فحشا و تن فروشی ها است .

تحقیر و توهین ، تفتیش عقاید و برخورد وحشیانه گشتی های دینی با زنان و مردان، برگزاری نمایشات ارباب انگیز اعدام، دره و شلاق، اجرای حد شرعی و قصاص به اضافت فقر و تنگدستی همه و همه به سادگی می توانند دلایل سقوط شخصیت افراد به شمار روند، حتی افراد را بسوی ضعف، لاقیدی و حتی خود فروشی و خودکشی رهنمون میشود.

هموطنان گرامی !

همه میدانند که ریشه اصلی نگون بختی های مردم افغانستان را تضاد منافع استراتژیک امپریالیست ها، بویژه آمریکا و روسیه و چین تشکیل میدهد. رقابت امپریالیست ها برای تصاحب جهان بود که از نیم قرن به اینسو کشور فقیری مانند افغانستان در دام کودتا های پی در پی و تجاوزات مستقیم جهانخواران و طعمه ای برای یک مشت دلالان خاکفروش اعم از هفت ثوری و هشت ثوری ساخت.

بنابر این نجات مردم ما فقط و فقط به طرد هردو منسوخ یعنی امپریالیزم و بنیادگرایی مذهبی بستگی دارد.

واقعیت های بالایی که «مشت نمونه خروار» اند، ایجاب می کند که همه نیرو های ترقی خواه و آزادی دوست و ضد استعماری در یک صف واحد و در تحت شعار:

«در این کارزار فقط زنجیر های خود را خواهیم باخت» دور محور مطروحه جبهه مردم افغانستان «جما» جمع شده جنگ بی امانی را علیه امپریالیست ها و ایادی شان براه اندازند. مبارزه تنها سلاح گرم بدست گرفتن نیست !

هر فرد بدون تعلقات قومی ، سمتی، زبانی، دینی و جنسیتی می توانند با امکانات دست داشته خود در این کارزار «آزادی یا مرگ» مصدر خدمات قابل قدر شود .

به گواهی تاریخ مبارزاتی ملل جهان و تاریخ خونبار افغانستان قدرت و نیروی مردم مشروط بر اینکه متحد و همبسته در مقابل دشمنان داخلی و خارجی عمل کنند بالاتر از هر سلاح زرهی و نظامی است . در تحت فشار مردم نیروهای مردمی و توده های تهیدست به این باور رسیده اند که :

زور مردم بالاتر از هر نیروی اهریمنی است

به مصداق این بیت:

مورچگان را چو بود اتفاق — شیر ژیان را بدرانند پوست

قوت ما در اتحاد ما است

کمیته فرهنگی جبهه مردم افغانستان «جما»

مورخ : ۲۲/۱۲/۲۰۲۲